پاسخ به اقتراح حافظ: برترین چهره ی تاریخی ایران کیست؟

علوی، احمد

درباره‏ی اقتراح جدید ماهنامه‏ی حافظ(شماره‏ی 30،ص 112)که: «برترین چهره‏ی تاریخی ایران کیست؟»باید عرض کنم شما خود در مجله‏ی حافظ،16 نفر از نام‏آوران ادبی،علمی،سیاسی،حکومتی و عرفانی با اشتهار و اعتبار را ذکر کرده‏اید،شامل:

1-از پادشاهان:کوروش و یعقوب لیث و شاه عباس و نادر و کریم خان زند؛

2-از شاعران:فردوسی،حافظ و خیام؛

3-از دانشمندان:ابن سینا،ابو ریحان و باز خیام؛

4-از عارفان:حلاج و رابعه؛

5-از سیاستمداران و نخست‏وزیران:قائم مقام،امیر کبیر و مصدق

6-از قهرمانان:بابک و یا...

در مورد انتخاب چهره‏های تاریخی،نقدهایی به نظر می‏رسد،از جمله:

اول-هریک از این چهره‏هایی را که یاد کرده‏اید،هریک به‏ تنهایی از جایگاه ویژه‏یی در پهنه‏ی هزار سال تاریخ ایران برخوردارند، ولی در بسیاری از جهات هیچ‏گونه وجه مشترکی با یک‏دیگر ندارند. هستند کسانی که در مقایسه‏ی با برخی از افراد یاد شده برترند،مثلا شاه اسماعیل با کریم خان زند که دومی فقط بر بخش جنوبی ایران‏ سلطنت می‏کرد و هیچ‏گونه نفوذی بر خراسان آذربایجان و بخش‏های کرانه‏ی دریای خزر نداشت،پس قابل مقایسه با شاه اسماعیل نیست.

دوم-از طرف دیگر پاسخ‏دهندگان این اقتراح باید اشراف و اطلاع‏ قابل توجهی از تمام 16 نفر داشته باشند تا بتوانند اظهار نظر تا حدی‏ قابل قبول ارائه نمایند.

سوم-علاوه بر این 16 نفر،بسیاری دیگر از بزرگان این مرز و بوم‏ در شاخه‏های مختلف درخت برومند و کهن سال ایران سهم به‏سزایی‏ دارند.

چهارم-قرن‏هاست این سوال مطرح است که بزرگ‏ترین شاعر ایران کیست؟فردوسی؟سعدی؟حافظ؟مولوی؟نظامی؟یا دیگران؟ که هرکدام طرفدارانی در اقشار مختلف اجتماعی،فرهنگی و سیاسی‏ دارند.

پس با این حساب،انتخاب برترین چهره‏ی تاریخی از بین افراد غیرهمگون منطقی و علمی به نظر نمی‏رسد،مگر اینکه مقالات‏ مستدل به دور از هیجانات ذوقی و احساسی درباره‏ی هریک نوشته‏ شود و قبول یا رد آن به رأی خواننده گذاشته شود.

اکنون از موقعیت استفاده کرده یک نکته‏ی دیگر را نیز در مورد بیهقی به اطلاع خوانندگان می‏رسانم که آن نیز با اقتراح شما خیلی‏ بی‏ارتباط نیست؛زیرا که بیهقی نیز از چهره‏های برتر تاریخ ایران‏ است.باری،در بین 13 مقاله‏ی کوتاه و بلند در ویژه‏نامه‏ی بیهقی در شماره‏ی 30 ماهنامه‏ی حافظ،مقاله‏ی خوب(سیمای بو سهل زوزنی‏ در تاریخ بیهقی)نوشته‏ی آقای دکتر ناصر تکمیل همایون(ص 65- 68)را با اشتیاق خواندم،اما دریغم آمد نکته‏یی را یادآور نشوم و آن، این‏که در متدولوژی تدوین مقالات پژوهشی رسم بر این است که از کارهای علمی قبلا انجام شده در زمینه‏ی عنوان مقاله یک یادآوری‏ تاریخی منابع قبلی( Recherche Bibliographique )از باب رعایت‏ فضل متقّدم انجام می‏گیرد.36 سال قبل مجلس بزرگداشت‏ ابو الفضل بیهقی توسط دانشکده‏ی ادبیات دانشگاه مشهد از 21 تا 25 شهریور 1349 برگزار شد،من هم با دلبستگی فراوان در جلسات آن‏ شرکت داشتم و خاطرات جالبی از دیدار و آشنایی با اساتید ادب فارسی‏ از جمله برخورد لفظی بین شادروان دکتر علی اکبر فیاض و آقای‏ عبد الحی حبیبی(استاد دانشگاه کابل و رییس هیأت شرکت‏کنندگان‏ افغانی در این کنگره)را به خاطر دارم.آقای حبیبی و شرکت‏کنندگان‏ افغانی،ابو الفضل بیهقی را نظر به این‏که بیهقی بیش‏تر عمر خود را در افغانستان به سر برده است،افغانی می‏دانستند و به همین دلیل«مرکز مطالعات و تحقیقات تاریخ افغانستان»را به نام بیهقی در کابل‏ نام‏گذاری نموده‏اند که موجب حیرت و اختلاف نظر صریح و شدید دکتر فیاض قرار گرفت.

به‏هرحال،مقالات ارائه شده در بزرگداشت بیهقی شامل 23 مقاله به زبان فارسی در 839 صفحه و به زبان انگلیسی در 128 صفحه در شهریور 1350 از طرف دانشکده‏ی ادبیات دانشگاه مشهد منتشر گردید.در شمار سخنرانان شادروان دکتر جمال رضایی مقاله‏یی با عنوان«بو سهل زوزنی در تاریخ بیهقی»ارائه نمود که در یادنامه‏ی‏ بیهقی(ص 220-232)درج شده و نکته‏های خود را استناد به 71 مورد ارجاع به تاریخ بیهقی و چند کتاب معدود دیگر تدوین نموه‏ است.

متأسفانه در نوشته‏ی آقای دکتر تکمیل همایون یادی از مقاله‏ی‏ دکتر جمال رضایی با همان عنوان مقاله‏ی ایشان نشده است.اگر ایشان آگاهی از آن مقاله نداشته‏اند،دریغا از نوشته‏ی بدون بررسی‏ تحقیقات مقدم قبلی و اگر دانسته نام آن دانشی مرد را یادآور نشده‏اند، شگفتا از این بی‏انصافی.

هم‏چنین خانم بدری حسابی از اردبیل در یادداشتی با عنوان‏ «خاقانی و دماوندیه‏ی بهار»(حافظ 30،ص 111)نوشته‏اند:«شاید برای خوانندگان مفید باشد که بدانند ملک الشعرای بهار هم قصیده‏ی‏ دماوندیه‏ی خود را به استقبال از قصیده‏یی از خاقانی به مطلع زیر ساخته است.

ای روح صفات اهرمن بند وی نوک سنانت آسمان رند

باید یادآور شوم که این نظر صحیح نیست،زیرا ناصر خسرو قبادیانی(394 تا 481 یا 471 هـ.ق.)که حدود 114 سال قبل از خاقانی‏ درگذشته است،قصیده‏یی در 25 بیت به همین وزن و قافیه دارد که‏ حتما شادروان بهار به این قصیده توجه داشته است.برای آگاهی از این‏ قصیده 5 بیت از آن را انتخاب می‏کنم(ص 23 دیوان،چاپ مجتبی‏ مینوی و دکتر مهدی محقق):

ای خوانده کتاب زند و پا زند زین خواندن زند تا کی و چند؟ دل پُر ز فضول و زند بر لب‏ زردشت چنین نوشت در زند؟ از فعل منافقی و بی‏باک‏ و ز قول حکیمی و خردمند پندم چه دهی؟نخست خود را محکم کمری ز پند بر بند چون خود نکنی چنان که گویی‏ پند تو بود دروغ و ترفند

فردوسی،اول فرد ایرانی!

س.حسام-تهران

حکیم ابو القاسم فردوسی به باور من اول فرد ایرانی و برترین‏ چهره‏ی تاریخی ایران است،زیرا:

1-شخصیتی تاریخی،حقیقی و واقعی‏ست،نه اسطوره‏یی.

2-شخصیتی فرهنگی‏ست،نه سیاسی و نظامی.

3-کار سترگ او یعنی شاهنامه،در تقویت روحیه‏ی ملی و آگاهی ما از هویت کهن خودمان اثرگذار بوده است.و مهم‏تر از همه‏ آن‏که اثر او به صورت کتابی بزرگ مملوس،محسوس،و در دسترس‏ همگان است.

4-در«بخش خصوصی»(بدون حمایت دولت وقت)به خدمت‏ پرداخته است و سی سال و اندی با هدفمندی کار خود را دنبال کرده‏ است.

5-نام و نشان او،برای ملت ایران قابل فهم است و درست مثل‏ این است که یک ایرانی در همین روزگار نام و نام‏خانوادگی‏اش در شناسنامه«ابو القاسم فردوسی»باشد.

6-هویت او با هر نظام سیاسی(چه جمهوری و چه غیرجمهوری) سازگار است و این ویژگی برای چهره‏های سیاسی(مثلا شاه اسماعیل‏ یا شاه عباس یا نادر و کریم خان)درست درنمی‏آید.

7-هویت او غیردینی و سکولار است،لذا هرکس که ایرانی باشد (با هر دین و مذهبی)با فردوسی به عنوان«فرد اول ایرانی»می‏تواند رابطه برقرار کند.

گمان کنم این هفت دلیل،هر خواننده‏ی منصفی را قانع و با من‏ هم‏عقیده کند.که حکیم ابو القاسم فردوسی،«اول فرد»ایرانی و برترین چهره‏ی تاریخی/فرهنگی ایران است و می‏تواند همه‏ی اقوام‏ ایرانی و پیروان همه‏ی مذاهب و مکاتب را در ایران به گرد شمع وجود خود جمع کند.

حافظ برترین چهره‏ی تاریخی ایران؟!

علی رحمتی-ساوه

من حافظ را برترین چهره‏ی تاریخی ایران می‏دانم.دلایلی هم‏ برای گفته‏ی خود دارم،شاید این دلایل از دیدگاه دیگران مورد قبول‏ نباشد.

1-در سنین سیزده سالگی وقتی دیوان حافظ را می‏گشودم و به‏ ابیاتی چون:

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم‏ محصول دعا در ره جانانه نهادیم‏ خوش آمد و گل وزان خوش‏تر نباشد که در دستت به جز ساغر نباشد دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

برمی‏خوردم،با این‏که مفهوم این ابیات را نمی‏فهمیدم،اما اندیشه‏یی در من پدید می‏آمد و با خود می‏گفتم این زبان،زبان زمینی‏ نیست.این شاعر با دیگران فرق دارد که سخنی گفته است که آن را باید چندین بار خواند و بعد در آن تفکر کرد.در واقع پیام والای حافظ تقدیس و تسبیح عشق است.

2-از نظر مذهب،حافظ به کیش ماست،برخلاف کسانی که‏ خواسته‏اند او را شافعی،زردشتی یا نقطوی اعلام کنند.حافظ شیعه‏ی‏ 12 امامی‏ست و در جایی دیده‏ام که از حاج شیخ رجب علی خیاط راجع‏ به حافظ و مولوی می‏پرسند،او می‏فرمایند:مولوی در برزخ خوبی‏ به سر نمی‏برد،اما برزخ حافظ عالی‏ست.

3-حافظ،شاعری عارف است که خط بطلان بر پیشینیان و معاصران و پسینیان خود کشیده است.به عنوان مثال سلمان ساوجی‏ بزرگ‏ترین قصیده‏سرای دوره‏ی حافظ که ممدوح حافظ هم بوده است، اکنون بیش‏تر طبقات عامه‏ی وی را نمی‏شناسد.

4-آرامگاه حافظ محلی دیدنی و توریستی‏ست و از طریق‏ جهانگردی برای اقتصاد ایران مفید است.

5-پس از اتمام این نوشته برای حسن ختام از این‏که آیا حافظ راضی‏ست که او را برترین چهره‏ی تاریخی ایران می‏دانم،تفألی به‏ دیوانش زدم و این بیت در بالای صفحه،سمت راست دیوان آمد:

گوییا باور نمی‏دارند روز داوری‏ کاین همه قلب و دغل در کار داور می‏کنند صبح‏دم از عرش می‏آمد خروشی عقل گفت‏ قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‏کنند

چهره‏ترین چهره

محمود مغانلو-شهر ری

چهره‏ترین چهره‏ی تاریخِ ما کیست به جز جمعِ همه چهره‏ها نادر و کمبوجیه و داریوش‏ رازی و غزالی و دکتر سروش‏ رودکی و سعدی و عین القضات‏ حافظ و فردوسی و پیر هرات‏ خانلری و مینوی و کدکنی‏ سایه و پروین و بهار و غنی‏ در ادب و فن نگارش؛جلال‏ در جدل و دین و سیاست؛جمال‏ فقه و ریاضی و زُلالِ نجوم؛ طوسی و خوارزمی و بحر العلوم‏ هرکه به این جمع فزود و نکاست‏ عضوی از این جمعِ سراسر صفاست‏ گرچه همه در هنرِ خود تکند لیکُ به دور از دگران،اندکند

چهره‏های برتر

احمد جوادی-تهران

ای فری ایران که چندین چهر برتر پرورد حافظ و سعدیّ و فردوسی مکرّر پرورد در تجلی نیست گر تکرار،1حالی از چه رو مام میهن هر زمان فرزند دیگر پرورد گه ابو مسلم،گهی بابک،گهی ستار خان‏ گاه تختی،قهرمان کوه پیکر پرورد گاه رضاشه،گه مصدق،گاه دکتر فاطمی‏ گه مدّرس،گه خمینی،رهبرِ نر پرورد پور داود و همایی و بهار و دهخدا چون فروزانفر،یکی رخشنده اختر پرورد گه فروغی‏ها و حکمت‏ها بزاید از شکم‏ گاه قزوینی و یغمایی چو مادر پرورد بعد استادان اعصار کهن اینک ز نو دانشی مردان با فکر منور پرورد وین زمان،«دکتر امین»استاد فحل نامدار آن‏که ریزد از قلم جوهر به دفتر پرورد جانشین دهخدا در علم و فضل و نظم و نثر کاو به اعجاز قلم،از کلک،اژدر پرورد «ماهنامه‏ی حافظ»او حافظ فرهنگ ماست‏ بین چه تا این دانشی مرد سخنور پرورد در ادب،در شعر،در قانون و حکمت،کم‏نظیر گنج بی‏رنجی که اندر سینه گوهر پرورد حافظ«مهنامه‏ی حافظ»خداوندا تو باش‏ چون که این مهنامه گوهرهای بی‏مر پرورد

یادداشت

(1)-فلاسفه‏ی قدیم می‏گفتند:لا تکرار فی التجلی.

کوروش،برترین چهره‏ی تاریخی ماست

مهندس حجت حیدری-دانشگاه گلاسگو،انگلستان

اما اگر در هر کجای جهان(مخصوصا در خاج از کشور)از من‏ بپرسند که برترین ایرانی در طول تاریخ کدام است؟خواهم گفت: کوروش کبیر.بهترین دلیل من هم این است که کوروش کبیر را همه‏ی جهانیان می‏شناسند.او یک امپراطور بزرگ بود که اقوام پارس‏ و ماد را با هم متحد کرد و امپراطوری بزرگی را بنا نهاد و بعد اولین‏ منشور حقوق بشر در جهان را امضا کرد،چو ایران نباشد تن من مباد.

اقتراح جدید حافظ

برترین چهره‏ی تاریخی ایران کیست؟

کورش؟فردوسی؟حافظ؟خیام؟بابک؟رابعه؟ یعقوب لیث؟حلاج؟ابن سینا؟ابو ریحان؟شاه عباس؟ نادر؟کریم خان زند؟قائم مقام؟امیر کبیر؟مصدق؟یا؟؟ از نویسندگان و خوانندگان فرهیخته‏ی ماهنامه‏ استدعا داریم که برترین چهره‏ی تاریخی ایران را از دیدگاه خود(با ذکر دلایل انتخاب خود)به ما معرفی‏ کنند.پاسخ‏های شرکت‏کنندگان در اقتراح،پس از تصویب شورای سردبیری در مجله چاپ خواهد شد و همه‏ی پاسخ‏های رسیده(اعم از آن‏که در کجله نوبت‏ چاپ به آن ها برسد یا نه)در کتابی جداگانه به چاپ‏ خواهد رسید.